

درجه

فیلم‌های «ترابیکا ۲۰۲۱» معرفی شدند

● **مهر:** «قصیده گاو سفید» ازجمله ۶۶ فیلمی است که در جشنواره فیلم ترابیکا ۲۰۲۱ به نمایش درمی‌آید. جشنواره فیلم ترابیکا اسامی فیلم‌های حاضر در این دوره در سه بخش رقابتی و نیز بخش‌های چشم‌اندازها، اسپاتلایت، نیمه‌شب، موويز پلاس و هفته منتقدان ترابیکا را اعلام کرد. از میان این فیلم‌ها ۵۶ فیلم بلند برای اولین بار در این جشنواره دیده می‌شوند. امسال همچنین فیلم‌هایی که برای ترابیکا ۲۰۲۰ انتخاب شده بودند، اما به دلیل شیوع کرونا از اکران بازماندند، در این جشنواره به صورت فیزیکی نمایش داده می‌شوند. برای حضور در این جشنواره امسال ۱۱هزارو ۱۲۲ درخواست داده بودند که رکورد فیلم‌های درخواستی برای این جشنواره به‌این‌ترتیب شکسته شده است. فیلم «قصیده گاو سفید» ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم در بخش هفته منتقدان ترابیکا به نمایش درمی‌آید. «اتاق انتظار خدا» نوشته تیلر ریگس، «مارک، مری و آدم‌های دیگر» ساخته هانا مارکر، «تازه‌گار» ساخته لورن هادوی، «زست‌گرفتن» ساخته اوری سگف، «ملکه پیروزی» ساخته نانا منسا ازجمله فیلم‌های بخش رقابتی هستند. در بخش مستند رقابتی نیز «همه این پسران» ساخته بینگ یو، «معراج» ساخته جسیکا کینگدن، «جاده‌های کور» ساخته رابرت کو، «فاتوم» ساخته درو ژانتوپولوس، «بچه‌ها» ساخته ادی مارتین، «شبیه یک سنگ غلطان» ساخته سوزان جوکی، «دربار» تقسیم» ساخته لیا گالانت و «زخم‌های علی بولالا» ساخته مکس اریکسون ازجمله حاضران هستند. همان‌طور که پیش‌تر اعلام شده بود، فیلم موزیکال «در ارتفاعات» به کارگردانی جان ام‌چو به‌عنوان فیلم افتتاحیه انتخاب شده است. این جشنواره از ۹ تا ۲۰ ژوئن به صورت فیزیکی در فضای باز شهر نیویورک برگزار می‌شود.

رونمایی از تصویر میرلا زارعی در نقش مادر ناصرالدین شاه

میرلا زارعی در دومین حضور در نمایش خانگی در نقش مادر ناصرالدین شاه جلوی دوربین جدیدترین ساخته فتحی رفته است. زارعی پیش‌ازاین تجربه بازی در سریال «مانکن» را در نمایش خانگی داشت. او همچنین در فیلم سینمایی «کیفر» با حسن فتحی همکاری داشته است. فیلم‌برداری جدیدترین ساخته حسن فتحی در حالی این روزها به دلیل حفظ سلامت گروه تصویربرداری موقتاً تعطیل شده‌ است که به‌زودی و پس از بهترشدن شرایط کار مجدد آغاز می‌شود. «جیران» دومین تجربه سریال‌سازی فتحی در نمایش خانگی پس از ساخت سریال موفق و عاشقانه «شهرزاد» است. بهرام رادان، پرنیزا ایزدیار، امیرحسین فتحی، امیر جعفری، رؤیا تیموریان، مهدی پاکدل، رعنا آزادی‌ور، کتانه افشاری‌نژاد، ستاره پسیانی، غزل شاکری، مرتضی اسماعیل‌کاشی، هومن برق‌نورد، مهدی کوشکی، سمیرا حسن‌پور، قافله مسعودی‌فر، بهناز نازی، غلامرضا نیکخوا، سیاوش چراغی‌پور، محمد شیرزی، حمیدرضا نعیمی، رضا جهانی، الهام نامی، نهال دشتی، سینا رازانی، بهنام شرفی، پاشا جمالی، حسن مؤذنی، نسرين نکيسا، محمد مژدهی، عباس توفیقی، فرشید صمدی‌پور، عباس ظفری، راستین عزیزپور، علی اشتم، پرویز بزرگی، رضا داودوندی و با حضور میرلا زارعی در نقش مهدعلیا بازیگران این سریال تاریخی هستند. سریال «جیران» به کارگردانی حسن فتحی و نویسندگی احسان جوانمرد و حسن فتحی و تهیه‌کنندگی اسماعیل عقیقه قرار است سال ۱۴۰۰ به صورت اختصاصی از فیلمبو پخش شود. عکس از محمد اسماعیلی است.

مارتین اسکورسیزی تولید فیلم جدیدش را شروع کرد

● **مهر:** اسکورسیزی با هدف تصویرکردن دوره‌ای از تاریخ آمریکا که هرگز نباید فرووش شود، بار دیگر روی صندلی کارگردانی نشست. فیلم‌برداری درام وسترن «قاتلن ماه کامل» از ۱۹ آوریل در اوکلاهاما شروع شده است. ابل که از تولیدکنندگان فیلم است، این خبر را تأیید کرد. اسکورسیزی نیز با انتشار بیانیه‌ای گفت از اینکه سرانجام تولید «قاتلن ماه کامل» را در اوکلاهاما شروع کرده، بسیار بیخود‌چانه است. او افزود: تصویرکردن این داستان در سرزمینی که وقایع در آن رخ داده، بسیار حیاتی است و به ما امکان می‌دهد تصویری دقیق از آن زمان و مردم این سرزمین به تصویر بکشیم. او یادآوری کرد از اینکه با بازیگران بومی کار می‌کند تا این داستان را زنده کند و دوره‌ای از تاریخ آمریکای را روی پرده می‌برد که هیچ‌کس هرگز آن را فراموش کرد، خوشحال است. در این فیلم لئوناردو دی کاپریو، رابرت دنیرو، جسی پلمنز، لیلی گلاستون، تانتو کاردنبال، کارا جید مایرز و جیلیان دیون جلوی دوربین می‌روند تا قتل عام سرخ‌پوستان این سرزمین را که برای پیداشدن نفت در منطقه زندگی‌شان نابود شدند، به تصویر بکشند. جفری خرس نشسته رئیس سرخ‌پوستان اوسچ نیز از این فیلم به‌عنوان یک فیلم بزرگ یاد کرد و گفت میزبانی بزرگ‌ترین فیلم سینمایی که تاکنون در اوکلاهاما ساخته می‌شود، برای این ایالت تاریخ‌ساز است. او همچنین یادآوری کرد که تولید این فیلم برای جامعه روستایی و مشاغل کوچک این ایالت بسیار مؤثر بوده است.

گروه هنر: یک سال بیشتر است که کرونا مردم تمام جهان را غافلگیر کرد؛ بیماری‌ای که ابتدا به نظر نمی‌رسید در ادامه تبدیل به بحران اساسی تمام کشورها شود و نه‌تنها سلامت، بلکه اقتصاد همه دنیا را نشانه بگیرد. سینمای ایران در یک سال گذشته فرازونشیب‌های بسیاری را تجربه کرد و مثل همه مشاغل، سالن‌های سینما و تئاتر را به تعطیلی کشاند و بسیاری از هنرمندان را خانه‌نشین کرد. با همه اینها پس از مدتی بسیاری از پروژه‌های نیمه‌تمام، مجدد فیلم‌برداری را از سر گرفتند و معدود فیلم‌های سینمایی و البته تعداد درخورتوجهی سریال کارشان را آغاز کردند؛ اما این روزها در کنار تعداد درخورتوجهی از آثار مبتلایان به کرونا در همه کشور نام برخی از چهره‌های هنری هم به چشم می‌خورد. چندروزی است که کیانوش عیاری، کارگردان باسابقه سینما و تلویزیون، به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری است. عیاری مدت‌هاست که مشغول به سرانجام رساندن سریال جدیدش «۸۷ متر» است؛ سریالی که ساخت آن تابستان ۹۶ آغاز شد و دی ۹۹ تصویربرداری آن به پایان رسید. شبنم عرفی‌نژاد، کارگردان و برنامه‌ریز و دستیار اول کیانوش عیاری، در سریال «۸۷ متر» درباره تازه‌ترین شرایط جسمانی عیاری به «شرق» گفت: «شرایط جسمانی آقای عیاری نسبت به روزهای قبل بهتر شده و به احتمال بسیار زیاد تا چند روز آینده از بیمارستان مرخص خواهد شد.

اما چندین سال پس از ساخت سریال‌های «هزاران چشم» و «روزگار قریب» باید خوشحال بود که کیانوش عیاری با تمام فرازونشیب‌ها و اتفاقاتی که بر سر اکران دو فیلم «خانه پدری» و «کانپا»، پیش آمد، به دعوت رسانه ملی پاسخ مثبت داد و ساخت «۸۷ متر» را آغاز کرد. سریالی که در زمان معاصر روایت می‌شود، سفارش ساخت این مجموعه سال‌ها پیش به عیاری داده شد و فرصتی برای ساخت آن مهیا نبود و در نهایت سال ۹۶ ساخت این مجموعه را آغاز کرد. «۸۷ متر»، جدیدترین سریال کیانوش عیاری، این روزها با مونتاژ، مراحل پس از تولید را می‌گذراند و پس از ماه مبارک رمضان پخش خواهد شد.

سریال «۸۷ متر» درامی اجتماعی است که داستان آن درباره دو خانواده به نام پوردورانی و خلیلی است. علیرضا پوردورانی به همراه همسر، دو دختر و پسرش خانه‌ای را از یک فروشنده به نام فرج ناصری خریداری می‌کنند؛ اما روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند خانه به فرد دیگری به نام رجب خلیلی فروخته شده است. رجب به همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی‌ها به خانه رسیده‌اند و وسایل‌شان را در خانه گذاشته‌اند؛ اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهبرداری مشخص می‌شود. علی دهکردی، ابوالفضل پورعرب، مهران رجبی، فریا کامران، نازنین فراهانی، هدی زین‌العابدین، دیا زاهدی، الهه خادمی، ملیکا نصیری، نیما نوری‌زاده، سحر عبداللهی و محمد بحرانی ازجمله بازیگران سریال «۸۷ متر» هستند. اما «پاران کوثری» هم از دیگر بازیگرانی است که پس از ابتلا به کرونا مراحل درمان را در بیمارستان سپری می‌کند. مدتی قبل نایب‌رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما تأکید کرد هرکدام از اعضای صنف سینمایی که مشغول کار در پروژه‌ای هستند، اگر برای حفظ سلامتی خود احساس نبود امنیت دارند، به رؤسای

روزهای خاکستری اהالی سینما



صنوف اطلاع دهند تا پیگیری انجام شود.

ایسنا دراین‌باره نوشت: «در پی نادیده‌گرفتن اطلاعیه سازمان سینمایی مبنی بر توقف فیلم‌برداری‌ها در شهرهای قرمز و نبود نظارت بر اجرائی‌شدن این دستور، برخی عوامل فیلم‌های سینمایی و سریال‌های شبکه نمایش شیوع اصرار بر انجام کار در روزهایی که وضعیت شیوع کرونا در موج چهارم سیاه توصیف می‌شود، کله‌مند هستند.

دراین‌باره گزارشی منتشر شد که با همراهی برخی عوامل و تأکید آنها بر اینکه با زور و اجبار به حضور در سر صحنه دعوت می‌شوند یا اینکه به خاطر نگرانی از پرداخت‌نشدن دستمزد مجبور به رفتن سر صحنه در این شرایط خاص هستند، روبه‌رو شد. این اتفاقداها بیشتر از آن جهت است که در بعضی پروژه‌ها رعایت پروتکل‌های بهداشتی بیشتر به عهده خود افراد گذاشته شده و تست‌گیری متناوب هم انجام نمی‌شود و در این بین تعدادی از عوامل هم به کرونا مبتلا شده‌اند.
باین‌حال با توجه به ادامه فعالیت چند پروژه دیگر، علیرضا نجف‌زاده، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما و رئیس کمیته رفاهی خانه سینما، ضمن اشاره به کمیته‌ای که اسال قبل در خانه سینما برای رسیدگی به همین

امور تشکیل شده بود، اما بعد به دلیل بروز مسائلی تعطیل شد، به ایسنا گفت: در پروژه‌هایی که مجوز قراردادشان در ارتباط با وزارت ارشاد است، اگر دستور سازمان سینمایی را مبنی بر تعطیلی رعایت نکنند و بعد خدای ناکرده اتفاقی برای کسی بیفتد، تهیه‌کننده باید پاسخگو باشد؛ چون وقتی اعلام می‌کنند فیلم‌برداری تعطیل شود، باید این کار انجام می‌شد.

او ادامه داد: خانه سینما پس از سازمان سینمایی بیانیه‌ای صادر و پروژه‌ها را دعوت به تعطیلی کرد و اگر کسی در این مسیر خطئی کند، قطعاً مسئولیت کار با مسئولان آن پروژه است. او افزود: در کمیته رفاهی خانه سینما سعی کردیم به اعضای صنوفی که خود یا خانواده‌های‌شان درگیر کرونا شده‌اند، در حد توان از طریق کمک‌های پزشکی و حتی مالی باری‌رسانی کنیم؛ ولی در شرایط فعلی اگر هرکدام از اعضا در پروژه‌ای به خاطر شرایط کاری احساس نبود امنیت می‌کنند، حتماً از طریق صنف و رئیس صنف خود اطلاع‌رسانی کنند تا ما بتوانیم پیگیری کنیم.

در روزهای گذشته مسئولان ستاد ملی مقابله با کرونا بر افزایش آمارهای مرتبط با کرونا در این هفته تأکید داشتند و در خانه ماندن را بهترین راه برای حفظ سلامتی و کمک به کم‌شدن آمار مبتلایان عنوان کردند.

براساس این تمام مشاغل – به جز مشاغل گروه یک – برای مدتی تعطیل شده‌اند؛ ولی تعدادی از پروژه‌های فیلم‌برداری فیلم و سریال همچنان مشغول کار هستند و در این بین بیش از هر چیز اصرار بر ادامه تولید سریال‌هایی که در چند وقت اخیر به خاطر کیفیت پایین به‌شدت مورد انتقاد بودند، جای تأمل دارد.

برخی عوامل همین سریال‌ها اشاره می‌کنند که مسائل مالی و ضرری که هر روز تعطیلی در این شرایط به تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار وارد می‌کند، مانع از این می‌شود که توقف کار برای حفظ سلامتی افراد در اولویت بماند. این در حالی است که سال گذشته هنرمندان زیادی را به دلیل ابتلا به کرونا از دست دادیم که در بین آنها تعدادی در همین پروژه‌ها بیمار شده و از دنیا رفتند.»

نگاهی به فیلم «میناری»، ساخته لی ایزاک چانگ

پارادایم هنجار و خاک

در ارتباط‌گرفتن با وضعیت موجود را به رویداد اصلی فیلم «میناری» نزدیک کند اما ناتوانی پیرنگ طراحی‌شده در ساخت موقعیتی منحصره‌فرد، موانعی دست‌یابگیر ایجاد می‌کند که تماشاگر را از ایده مرکزی فیلم دور می‌کند (منظور شیوه‌پردازی و شمای‌نگاری آسیایی نیست؛ درواقع فقدان روح شخصیت‌هایی مد نظر است که در فیلم «میناری» به شکلی گیج‌وگنگ دیده می‌شوند).

انتخاب‌های لی ایزاک چانگ در طراحی پیرنگ و به‌خصوص هدایت تماشاگر به برخی از موقعیت‌های کلیدی فیلم مبهم است. درواقع واضح نیست که توالی رویدادها به دنبال چه وجهی از داستان مهاجرت و رابطه رو به اضمحلال آدم‌های بازی است. مادر‌بزرگ بعد از اینکه رابطه خود و دیوید را سروشکل می‌دهد و احساس تماشاگر را تا جای ممکن برمی‌انگیزد، دچار بیماری ناگهانی می‌شود و در ادامه شخصیت دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گیاه میناری پناه می‌برد. این روند، هیچ رد و نشانی از لحن خاص لی ایزاک چانگ به‌عنوان سینماگری که سعی دارد نگاه خود و تماشاگر را فراتر از گفتمان رایج درباره «وابستگی به زیست‌بوم» سامان دهد، ندارد. اینجااست که کنش کارگردان ماهیتی فرمایشی می‌یابد. وقتی رویدادهای اصلی فیلم، به شکلی آیزیش‌آماده، دیوید تحول جسمی و روحی شگفتی را تجربه می‌کند. حال برای تنش‌ی مضاعف، درام مدنظر لی ایزاک چانگ نیاز به بحرانی برای شروع یک پایان‌بندی سیستماتی دارد. پس مادر‌بزرگ که در خانه تنها شده است، با دست بی‌جان خود خرابکاری می‌کند و خانه جیکوب و همسرش را به آتش می‌کشد. سپس جیکوب که از تلاش بیپوده‌اش برای آبادی زمین زراعی ناامید است، به گی